



## شاخص‌های توسعه اسلامی

گفتاری از آیت‌الله عبدالله جوادی آملي

به نظر می‌رسد دیدگاه آیت‌الله جوادی آملي درباره توسعه و الگوی پیشرفت، بستگی فراوانی به منزلت عقل در منظومه فکری ایشان دارد. ایشان درباره ظرفیت نظریه پردازی اسلامی درباره الگوی توسعه می‌گوید: «ریشه قاعده و اصل استصحاب، یک خط‌روایت از ائمه علیهم‌السلام است که: لا تنقض الیقین بالشک. اما درباره استصحاب ۵۰-۶۰ جلد کتاب عمیق و عالی علمی در دست ما است که محصول کار کارشناسی روی همین روایت است. این همه نظریه پردازی بر اساس یک روایت، محصول استنباط «عقل» است که حجت خداست. ولی ما این عقل را به دست غرب داده و گفتیم مقوله‌ای بشری است. اگر عقل بشری است، پس شصت جلد کتاب به وجود آمده از آن یک خط‌روایت هم اسلامی نیست! حال اگر در اقتصاد اسلامی نه فقط پیرامون مسائل ارزشی بلکه روی مسائل دانشی نیز کار کنیم، می‌توانیم از آیات و روایات اقتصادی، شصت جلد کتاب تحویل دهیم.» آنچه در ادامه می‌آید دیدگاه‌های آیت‌الله درباره شاخص‌های توسعه اسلامی است که در گفت‌وگو با ویژه‌نامه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در اردیبهشت ۱۳۸۹ مطرح شده و «خراسان» با هماهنگی مؤسسه «اسراء» آن را در قالب نوشتاری فشرده به مخاطبان تقدیم می‌کند. سنجه‌های روشنی که ایشان در این گفتار برای توسعه اسلامی برمی‌شمارند، حاصل پردازش عقلانی داده‌های و حیاتی و نقلی است که هم تولید سرمایه و رونق فضای کسب و کار را در نظر دارد و هم دغدغه کرامت انسانی و عدالت اجتماعی را حفظ می‌کند. از دیدگاه ایشان هم انباشت سرمایه و هم مز‌دور دیگران بودن در اسلام مردود است؛ از این رو در آموزه‌های اسلامی گردش سرمایه و کارآفرینی تجویز شده است.

آیا او احتیاطی است یا برائتی؟ ... باید مبانی دستش باشد و این مبانی را باید از منابعی بگیرد. منابع او نیز عقل، کتاب و سنت معصومین است. اگر فقیه منابع را در اختیار نداشته باشد یا رابطه منابع با مبانی گسیخته باشد، دیگر ملاً و فقیه نیست؛ نه حجت‌عندالله دارد و نه حجت‌عندالناس.

در اقتصاد نیز همین گونه است. اسلام توسعه را کاملاً ترغیب و تشویق کرده است؛ منتهی توسعه دارای دو نوع متفاوت است. یک نوع، توسعه تکاثری است که اسلام در همه‌جا آن را مذمت کرده است؛ و یک نوع دیگر، توسعه کوثری است که اسلام در همه‌جا از آن حمایت کرده است. توسعه کوثری آن است که «پایدار» باشد و «همه‌جانبه». معنای پایدار آن است که نسل آینده را هم در نظر داشته باشد. مثلاً باید مشخص شود که آنچه که در کشور وجود دارد، کدام سرمایه است و کدام درآمد؟ مثلاً کشوری که دارای نفت است، اگر دولت آن بخواهد کشور را با نفت‌فروشی اداره کند، این آغاز ورشکستگی اوست. برای این که نفت سرمایه است و سرمایه را نمی‌توان فروخت. همان گونه که

کسانی که سکولار فکر می‌کردند یا می‌کنند، دین را تنها در فضای ارزشی فرض می‌کنند، نه در مسائل دانشی؛ در حالی که اسلام در متن جامعه هم در مسائل علمی و اقتصادی و هم در مسائل اخلاقی و ارزشی، دارای دیدگاه مخصوص به خود است. توسعه دارای دو رویکرد متفاوت است: «توسعه تکاثری» که مذموم است و «توسعه کوثری» که ممدوح است. این‌ها هر کدام دارای «فصل» متمایزکننده هستند و هریک اولاً مبادی و مبانی و ثانیاً مواد حقوقی و شاخصه‌های مخصوص به خود را دارند.

ما در درس و بحث‌های علمی فقهی می‌گوییم: اگر فقهی بخواهد فتوا بدهد و فتوای او در رساله عملیه درج شود، سه مرحله را باید از سر بگذرانند: اول، مواد حقوقی باید در دست وی باشد؛ دوم، این مواد حقوقی را باید از مبانی استخراج کند؛ و نهایتاً این که آن مبانی را باید از منابعی استنباط کند تا بتواند حرف علمی بزند. فقیه باید یک پایگاه اصولی داشته باشد که نظرش در مورد برائت چیست؟ در مورد استصحاب چه؟ در مورد علم اجمالی؟